

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE
CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

با دارة رجوع شود

ظروف

و پاکت هاي بدون

تقریبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جريدة مصور

۱۵ جمادی الثاني ۱۳۲۲ هجري مطابق ۳۱ اغسطس ۱۹۰۴ ميلادي

وجه پست داخله و خارجه بعهده اداره است

(قیمت آبونه سالیانه)

اسكندرية و قطر مصر

سه ريال ۳

مالک دولت عالیہ ایران

سه تومان ۳

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجیدی ۴

انگند هندوستان

ده روپیه ۱۰

قمقازیه ترکستان

هشت منات ۸

اروپاچین بیست

فرنگ ۲۰

این روزنامه، مصور و آزاد و بدون القاب موقتاً ماهی دو بار و بعد هفته کی طبع و توزیع میشود

فهرست مندرجات

- منادي ترقی معارف یا وطن - سیاسی -
- پترسبورغ - نطق اعلحضرت امپراطور روسیه -
- بادکوبه - تمثال اعلحضرت شاهنشاهی - چهره نما
- شمه از الکتریک - نظامنامه چراغ الکتریک رشت -
- مقاله مؤانسه - ترجمه از کرامی روزنامه الاهرام -
- چهره نما - طرابوزن - چهره نما - بوشهر - چهره نما
- وعالی تهنیت - مکتوب از طهران - چهره نما -
- اصفهان - چهره نما - مصر - تکراف

منادي ترقی معارف یا وطن

صلای محیر العقول ترقیات عالیہ دول معظمه
 وندای صحیح الاصول ترفعات متعالیه طوایف بنی
 آدم . بسته باز دیاد توسعه دواثر معارف و مطبوعات
 و انتشار قاطبه علوم و ادبیات است که دواسبه در
 مدارج ترقیات رانده اند لاکن بدبختانه چندی برد
 مرات ساحت مقدس و اینه تراب اقدس وطن عزیز
 معارف زای ما بدو سبب زنک تدنی و غبار تانی
 گرفته بود
 یکی آنکه نیات بالیه مضره و خیالات خالیه مفسده

سیاسی

امین السلطان در ترویج معارف و ادبیات و تکثیر عوارف و مطبوعات که منافی با مقاصد منافع شخصی او بود سد سدید مسالك ترقیات وطن بود از آنرو که کشف خیانت‌های پیاپی خود را از صفحات حق باطل نقش پذیر جراید ملی میدانست و حتی المقدور بوسایل و حیل و دسایس و دغل این طرق نجات عام المنفعه را مسدود و از سلم خدعه و فریب بمعارض هواپرستی و نفس پروری عروج مینمود . هر کس از اهل معارف چون گیاهی ثمر آور از گوشه سر بدر کرد . او بدون تأمل از داس معارف کشتی او را درو کرد . سبب دویم تجاوزات بعضی اربابان قلم و اصحابان این فن محترم بود که از حدود موظفه مقدسه خود تخطی کردند و از مسلك روزنامه نگاری تجاوز ورزیدند این بود (توام) این دو مطلب توقیف جراید را لایک گفت و ترخشک باهم سوخت بحمد الله امروز روز از اشعه لمعات آفتاب معارف پاش اعلا حضرت قوی شوکت معارف پرور عدالت کستر شاهنشاه رعیت نواز خائن ملت کداز پدر حقیقی ما ایرانیان و از نیات سراسر صفات ترقی خواهانه دولت پرست ملت دوست مملکت آرای منادی ترقی معارف و وطن حضرت اشرف والا شاهزاده معظم وزیر اعظم چیزی از مراتب حقیقت شناسی و دولت و ملت پرستی عالی تادانی در پیشگاه اقدسشان پوشیده نیست و باندکی توجه قشر از لباب و چشمه از سراب بشناسند این بود (چهره نما را) امر و مقرر فرمودند که بخاک پاک وطن مقدسش مجدداً داخل گردد

آسمان گلگون سرخ فام خون ریز شرارت بیز سیاسی و چرخ نیرنگ پیشه وحشت اندیشه افق کتب اساسی عجب بساطی متوحش در اقصای شرق چیده که دیده غدار خون بار روز کار چنین داهیه دهیا و واقعه جانگزا ندیده همه قطعاتش کلکون از جنس ازرق و صفراوی و همه صفحاتش عقیق گون از نوع احمر و بیضاوی

از چهار جانب اراضی سفک و وحشت خیزد و ملت آسمانی از تنهای بخون آغشته جوانان ناکام کلکون اندام نو خواسته تلها افرشته و از شش جهت صحاری غمناک دحشت انکیز انفته دوجهانی از ابدان نونها لان از جان گذشته آراسته پشته های کشته ها انباشته بسمیکه قابض ارواحرا مجال قبض و امیر تسطیح میادینرا فراغت بسط نمانده لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

(یک از وقایع نکاران که در جنک اخیره قرب (لیاوینگ) حاضر در میدان بوده مینویسد که یک از افسران قوی هیکل بلند قامت روس که فرمانده توپهای میدانی بود آماج خنجره ژاپونیان گردید معلوم شد حامل اغلب نوشته جات و امین برخی نقشه جات جنک بوده حکم از سپهسالار بمصرین و مباشرین دفن مقتولین میشود که چنین جسدی که دارای فلان علائم و لباسست بخاک نسپرد حاضر کنید بعد کنج کاویها و تلاشهای زیاد باعلامت هفده پارچه

از بدن او را حاضر میکنند و باز ربع بدنش ناقص بوده باید فهمید توپ کروپ چه بروز کار طرفین میآورد)
 کجا ظنون سیاسون نکته سنج مشتغر غریبان و اوهام پولتیک دانان معتبر اوروپاویان فتوی میداد که قرنی نکذرد از پس حجابات ظلمانی شرق خورشید تمدن و تربیت بارخی درخشان و نور پاش و اندامی تابان چون لعل بدخشان حاضر باش کویان همه صفا و صفوت و بزرگی و همه عظمت و سطوت و کبریائی طالع و غفلتا ساطع گردد و یک تابش متهورانہ انواع کواکب فروزنده غریبازا که هر یک در مدار خود شمس الشموس غرور و نخوت هستند چون خفاش از پرتوانوار تمدن و سیاستش محجوب و مستور دارد (علم چون حب وطن بامهر شاه * کرد انقامیرسی تا اوج ماه)

حملات بیابنی و هجمات دمام ژاپون در بندر پور آرتر برا و مجرای لیل و نهاراً از ابتدای شروع یچنک تاحال چنین جسورانه بنود که در ظرف چند روز و شب مستمر ناریه جنک اشتعال داشته باشد چنانچه جانین متحاربین راحت و استراحتشان ساعتی نا معلوم و از کثرت هجوم کلوله توپ و تفنگ همگی از حیات عاریت محروم باشند در این یرشهای دلیرانه و هجومهای مرده علی الاختلاف بالغ بر بیست هزار نفر از قشون ژاپون طعمه اجل شده اند و زیاده از ده هزار نفر مجروح و راه دار الشفا پیش گرفته اند و در مقابل از روسها هفت هزار نفر به بیمارخانه ساکن گردیده اند ولی در اینرای انیققدار فدائی ژاپون

تا حصار بیت پنجم و آخرین قلعه بندر پور آرتر بتصرف ژاپونیان درآمده ذخایر و سیورسات و غنائیم ژاپونیان بیرون از تحدید حساب بوده

اینک بجهته استخلاص مطلق بندر زیاده از یک میل مسافت باقی نمانده است عده قشون ژاپون دریائی و صحرائی که در تحت امر سپهسالار کل (جنرال کورکی) ژاپونی میباشد چهار صد بیست هزار نفر بوده است و عده قشونیکه در تحت امر سپهسالار کل (جنرال کورپاتکین روسی) بوده از یکصد پنجاه هزار الی دو بیست سی هزار نفر است اختلاف عده قشون کورپاتکین بواسطه محاصره (پور آرتر) که نامعلومست میباشد

یک از جزالهای روس میگوید چنانچه بندر پور آرتر بقبضه ژاپون مع ذخایر کامله درآید میتوان گفت حالش باشد بواسطه آنکه آدم فداگرد

از هنگام آغاز تصرف نمودن بندر تاحال که مستخلص نشده است عده مقتولین و مجروحین دولین چهل پنجهزار بشماره رفته است (اگر در محکمه محکمه عدل و قصاص منتقم حقیقی و داور کل این ابدان بی کناه با جسمهای نجون آغشته داوری خواهند و قصاص بطلبند ایا میتوان خون این همه بی کناهانرا بکردن یک نفر خائن دولت و ملت (لیهوک چانک صدر اعظم) دولت چین ثابت کرد که انخیانت پیشه بد نفس حق نشناس هوا پرست بطمع نشان عقاب مرصع و دراهمی نجس منشاء این همه خونریختن کردید

دوات روس در مقابل امریکا و انگلیس و ژاپون
در آید (شب آستان است تاجه زاید سحر

پترسبورغ

پس از مدتی انتظاری و عهدی امید واری
اعلیحضرت امپراطور روسیه را خداوند پسرے
عنایت فرموده از برکت قدوم این مولود نصف
زندانیان محنت کشیده و محبوسین مصیبت دیده
خلاص و راه خانمان و اهل عیال خویش در پیش
گرفتند و خراج بعضی کسبه موقتا تنزیل یافت
هنکام فراغت علیا حضرت امپراطریس سیصدتوپ
تبریک از قلاع سراسر سلطنتی شلیک کردند
اعلیحضرت امپراطور از کیسه خاصه خود مبلغ
یکمیلیان منات بذل ارامل و مساکین فرمودند و بحکم
اعلیحضرت شهر پترسبورغ را آذین بسته و زینت
دادند و مراسم شادمانی بجای آوردند

انیک اغلب راسخان در گواکب و انجم
و معتقدین بتأثیرات موالید از ظهور تقم و تنعم
و پیش گوینان رصد نشینان اروپ از مسئله اقبال
و ادبار و سعد و نحس عواقب قاطبه مردم داستانها
دارند و گفتگوها مینمایند که این مولود بقراین حال
در زمان استقبال چه بساطی چند و بدولت
وساطت خود چه اثری بخشد (خوشتران باشد
که سردایران * گفته آید در حدیث دیکران)

اخبارات اخیره عده مجانبین و فرارین روسرایش
از مقتولین مینویسند چنین برآید که قشون روس
صرفه را در دیوانه شدن و فرار کردن دیده اند آتش
دسایس و حیل خود پسندانه دولت روس که عمده
درهم انداختن دول اروپست تا حال شراره اش
دامن گیر دول منظور نشده است دولت انگلیس بان
تبختر و غرور و شهرت داشتن (خدای دریا) آنچه
تا حال روسیان با کشتیهایی او جسارت ورزیده اند
بعمدا تجاهل نموده و بروی بزرگواری بنا ورده دولت
آلمان بهوس آمده است لکن رجال کارا گاهش
فایده بجز خسارت آنها و اتفاح ژاپون یا روس نیستند
آنست کاهی خود نمائی و دمی غیبت میکنند دولت
فرانسه آنچه بنظر امان مینکرد از آغاز فاقش با دولت
روس تا کنون بجز دادن ثروت ملت بمشار ایها
و اسناد قصور یافته نفی عایدش نشده و اگر در این
هائیه خوفناک اقدامی کند خسارت جانی هم علاوه
میشود دولت امریکا که مدبرترین دول اروپ
بشمار است که بکلی چنانچه عنوان بیطرفی دارد
باز دارد و منظرش مقاصد سیاسی دیرینه است که
اجراست لذامیتوان گفت که دول چهار گانه
(انگلیس و امریکا) و (فرانسه و آلمان) اقدامی نکنند
فرضا نالهائی جگرگداز کشیشهای روس به هدف
اجابت برسد و جنک عمومی صلاهی وحشت و غلغه
عظیم در روی کره خاک افکند به بینیم رقابت
و کینه دیرینه فرانسه با آلمان بمناسبت (پدر کشته کی
میکند آشتی) مرتفع میگرد که برادر وار مجایه

نطق اعلا حضرت امپراطور روسيه *

(نيكلاي دويم الكسندرويچ)

ما (نيكلاي ثاني) امپراطور كل ممالك روسيا و پادشاه (پولونيا) و گرن دوق الخ . اعلام و اعلان به تمامي رعايای خود میفرمائیم که حضرت باري تعالی عن اسمہ بمشیت بالغه و اراده ازلیه خود فرزندی پسر شاهزاده خانم (ماریه فیدرونه امپراطریس) مرحمت و عنایت فرمود و ما او را دیدار فرمودیم و باین بزرگ عطیه و عظیم نعمت پروردگار خود که بخانواده امپراطوری و پادشاهی ما اعطا فرموده شکرهای فراوان میمائیم باید ازین موهبت عظیم و بشکرانه این نعمت قویم رجال درگاه و سران سپاه و افراد رعیت با ما همزبان باین نمایش و سعادت سپاسداری بدرگاه خداوند بنمایند و بعد امر و مقرر فرمودیم این مولود مسعود را مسما به « غراندوق الکسیس » و ما مقبولیعه میخوای خودمان و امپراطوری دولت روسیه بنمایند

باد کوبه

خبر نکارما شب چهارشنبه بیت سیم از نصف شب یکساعت پانزده دقیقه گذشته بود که غفلتا زلزله شدیدی شد که در زلزله های گذشته سنوات پیش بدین سختی زلزله نشده بود اما بحمد الله ضرر جانی و مالی بکسی نرسید بقراریکه بعضی زمین شناسان نطی میگویند باید

بتازه گی بعضی زمینهای نطف رسیده باشد یعنی زمینهاییکه نطف ذاتا دارد و تمام نرسیده بود حال رسیده است و موقوف بیرون آوردن آنهاست * که باید بیرون یاورند

حاجی حین تقی اف رئیس فابریک فاش باقی جناب حاجی زین العابدین تقی اف ناخر باد کوبه دوروز قبل وارد شدند تقریباً هفصد کثری عمله جات از زن و مرد و بزرگ و کوچک آورده اند بقراریکه جناب حاجی زین العابدین افا تقی اف دستور العمل داده اند باید مجدد این دوسه روزه حرکت بطرف غزان روسیه بناید بجهت آوردن بقیه عمله جات فابریک که اجیر کرده بیادرنند

روز قبل دو ساعت از ظاهر گذشته واقعه عجیبی و حادثه غریبی روی داد و ان این بود یک نفر گرچی نان وائی از محل خود باخجری برهنه بیرون میدود و بچند کس حمله ور میکرد و طولی نمیکشد که سه نفر را میکشد و چهار نفر را زخم دار میکند (قره داوای) قراول نظامی فوری او را گرفته اما قوت و زور او غالب براو میشود و قراول بلدی را هم زخم کاری میزند پس از این ماجرا و هیابانک مردم بعضی هجوم و بعضی فرار میکنند باز با همان خنجر که هشت نفر را کشته و زخمی کرده بجان خودش در میاوبزد پناه میبرم بخداوند بقسمی از دست خودش سر خود را جدا میکنند که باعث تعجب تمامی مخلوق شد این مسئله امروز نقل مجالست و هر کس چیزی میگوید بعضی میگویند مست بوده بعضی میگویند دیوانه شده بود هر کس بخيال خودش چیزی میگوید بیچاره چند نفر مردم عبوری باین قضای ناکهانی از دست رفتند

در گذشته از بابت امتحان عمومی (اشقوله) مدرسه بنات حاجی زین العابدین تقی اف ناخر باد کوبه و شرح تشریف آوردن بزرگان و آقایان خصوصاً فہام علام عمدت العلماء الاعلام آقای امیر کریم مجتهد حاجی میر جمفر زاده مجتهد کل ففقا زبیرا بعرض رسانیدم و وعده داده بودم اسامی یکایک دخترها را که امتحان داده بودند مع عکس (اشقوله) و زمان تشریف فرمائی اعلا حضرت شاهنشاه ایران

با وجودیکه طهران و ایشان در یکجا و سالهاست در اینجا بوده اند حال ب فکر افتاده اند دولت عایه ایران بخدای لایزال همه قسم در ترقیات ملت حاضر است بدون آنکه یکشاهی خودش بخورد امان از جهالت اسبابها و آلات چراغ الکتریکیکه رشت تمامی وارد و خوارج شد

مطلب مهم چنانچه زحمت نباشد معنی الکتریک یا چراغ برق فارسی است بنده عامی مری در این علوم و فنی باین مطلب ندارم همین بدانیم این چراغ باین خوبی یکی است یا متفرق میباشد و امتش مخالفت دارد هر چه باشد مدیر محترم چهره نما، ما را بیاکا هانند

(اعضای اداره چهره نما سرشرف و افتخار از ترسیم نمودن تمثال آفتاب مثال امام حضرت اقدس قدر قدرت کیهان مهابت قوی شوکت خورشید رایت ناهید آیت شهریار رعیت خواه ملت نواز تاجدار ملک آرای خصم کداز سلطان رئوف عدالت کسرت خاقان عطوف معارف پرور شاهنشاه فلک خرگاه ملک الملوک سلطان السلاطین مظفر الدین شاه ایده الله تبارک و تعالی جیشه وابد الله عیشه الی بوم القرار بفرق فرقدان سایند ودر این گونه اقدامات که افتخار فوق افتخارهاست کوتاهی ندارند)



به مدرسه بفرستم نظر بفصل مخصوصی که در نظامنامه قید شده است اسامی بنات و مخدرات مدرسه را کسی حق ندارد بداند یا بجائی تذکار کند موقوف کردم در اینجا باید دانست مقام مراعت ناموس و عفت شناسی و عصمت داری آقای حاجی زین العابدین تقی اف را کسه چه قدر ملاحظه فروده اند در حقیقت وجود بلند مرتبه این بزرگوار امروز باعث سرفرازی و فخر و مباهات تمامی مسلمانان روی زمین است زمان تشریف فرمائی اعلم حضرت هایونی بمدرسه باعث ترغیب و افتخار و تشویق حاجی زین العابدین تقی اف شد که در خراست ایشان از خاکبای جواهر آسای اعلم حضرت هایونی این بود که اعلم حضرت بدر حقیقی جمیع مسلمانان عالم اگر امر واجزه بفرماید مدرسه ذکور بنام اعلم حضرت هایونی در محل فابریک بنا کنند اعلم حضرت هایونی در کمال مرحمت امر فرمودند که در این عمل خیر اقدام کنید انشاء الله شرح بناد، مصارف و عده شاگردان او را بدها میفرستم و از فرستادن اسامی دخترها باین ملاحظه عذر میخواهم اما یک قطعه عکس تشریف فرمائی اعلم حضرت هایونی را که در کتابخانه مدرسه برداشته شده فرستادم انشاء الله محض افتخار ملت اسلامی رسم و شمایل مبارک را در روزنامه قید بفرمائید نباید ضرری داشته باشد

در خصوص نظامنامه چراغ گاز یا الکتریک رشت که جناب افا محمد حسین رئیس التجار تاجر یزدی همت و مردانگی نموده و امتیاز او را پنجاه ساله از دولت علیه ایران حاصل کرده اند در قبل وعده داده بودم ارسال میکنم حال به یک جلد نظامنامه فرستادم اگر مصلحت میدانید در ذیل جریده مبارک درج بدارید بجهت ب فکر افتادن سایر غیر تمندان و بزرگان وطن ضرری نیست

بقراریکه این اوقات شنیده ام حاجی محمد حسین تاجر اصقمانی امین الضرب ایشانم از دوات علیه ایران امتیاز چراغ برق الکتریک طهران را گرفته اند معلوم میشود جناب رئیس التجار باعث تشویق سایرین شده اند

شهشه همه عالم شه رعیت خواه * خدیو خطه ایران مظفر الدین شاه



(هر که اندر خدمت نوعی مجرب میشود * چون تقی اف در بر شاهان مقرب میشود)

Chah de Perse CHAHANCHAH MOUZAFER - EL - DIN

à l'École fondée par Mr TEGHIOFF

(* چهره نما شمه از چراغ الکتریک *)

بلی بمعنی عالم عالم فواید و محسنات و دنیا دنیا عواید منافع آیات کلمه قلیل الفظ کثیر المعنی (العلم علما علم الابدان و علم الادیان) که هزار سیصد و اندی بجهت دنیا و آخرت ما آورده اند بچاپکی و چالاکتی علمی اروپ و فضیلتی مغرب زمین پی برده اند و از کشف حقایق مخترعات محیر العقول و از نشر دقائق تنبئات کثیر الفصول کرور کرور طلائی مسکوک بر ثروت و مکنات دولت و ملت خود افزوده اند افراد ملت را از تکدی رها نموده و احادنا سرا

مشهد مقدس اظهار داشته بودند که این چراغ از جوهر عرق وفلان... است همین قدر اگر نخواهیم بقدر توسعه قوه مدرکه و خواهش خبر نگار محترم باد کوبه ازین قره قاده و ماده نادره الکتريک که تالی معجزه است تمجید و تعريف و رتبه فائقه اورا بوسایل حسیه با سایر انوار قدرتی تشابه کنیم غیر از نور آفتاب در مقابل انور دیگر یارای دم زدن و قوه همسری کردن نیست

کره آفتاب عالمتاب که معظمترین اجرام سماویست و جوفضای دارای بعد لایتناهی عالم موجودات که مملو از روح است حاله کبیره است نور پاش میکند و سپهسالار سپاه انجم علوی و نیر اعظم نامیده می شود و در عظمت و بزرگی یکمیلیان چهار هزار نود بار از زمین ما بزرگتر است با انهمه انوار موجوده و آثار مقتدره در جنب این نور مصنوعی بچند جهت در خواص ناقص است

ذرات ضوئیه انوار نیر اعظم و آفتاب عالمتاب هنگام حلول از محلی بمحلی و جایی بجایی انکسار میابد لکن ضوء غیر صرئی قوه الکتريک یا چراغ برق در وقت حلول استقامت دارد و مستقیماً بهر جایی افتد ذرات ضوئیه منوره افتاب را اجساد و ابدان شفاف میگیرند و بطریق انکسار از خود دفع کرده بیرون میدهند و غیر شفاف هر چه گرفته می بلعند و از خود دفع نکرده و نمیدهند بیرون که در واقع شفاف و غیر شفاف عاکس معکوسند بر خلاف ذرات ضوئیه مقتدره انوار الکتريک از اجساد شفاف و غیر

در معیشت توسعه داده اند بغیر از آنکه دولت متبوعه خود را نزد سایر دول معظم و ملل مقتدر مقتخر ساخته اند نام خود را بر صفحه لوحه تاریخ افتخار ابدی علمای مشهور قرار داده اند

فاضل یکانه دانشمند دانا و عالم فرزانه ارجمند (قونوراد روتکین پرافسور آلمانی) Counourad Prafsour Rountkin بعد از مشقات بسیار و زحمات بی شمار و امتحانات دقیق علمیه عجیبه و تتبعات حقایق نادره غریبه بکشف این فن معتبر و این ضوء منور موفق و مقتخر گردید و بعالم علم و مدنیت و ترفیه کسب و معیشت بشریت منت ها نهاد و خلقي را از کسافت و خباثت و عفونت و احتراق و ظلمت فقط و پیه و شمع و روغن و سایر مواد دهنیه و از امراض عارضه مسریه مهالکه سیل طپش و... برهاند

(انکلیس لوچ) یا (ضوء غیر صرئی) یا (روشنی نامعلوم) یا (ضوء مجهول) یا (چراغ الکتريک) یا (قوه برقیه) یا (ماه نخب) یا (نور کهربائی) یا (چراغ برق) یا (مهتاب شکن) بمذاق علمای نامدار متبحر اروپا و بسلیقه فضلاهی مشتهر امریکا ماهیت و اجزای ترکیبیه او مختلف است (مس) (سرب) (طلق) (زیبق) (ذغال سنک) (نمک نشادر) (نمک انکلیسی) (سنک کبود محلول) (سود یوم) (کهر با) (از چند جزء آب دریا یکجزء) اینها باختلاف هر قسم نخواهند قوه قاهره نور الکتريک و مدیر عالم معیشت و حیات از او ظهور میکنند (بعضی جهال عالم نما برای دست آویز منافع شخصی و مقاصد نفسیه در

شفاف بتفاوت سرعت انتقال عبور و مرور کرده و میکند رند توجیبات و تمجیدات بسیار این قوه قادره دارد که نتوان بشرح او پرداخت امید واریم از همت و قوت بعضی غیر تمندان و هموطنان وطن عزیز مقدس که آنها هم تاسی بجناب رئیس التجار و جناب امین الضرب زاده بفرمایند و رفع اغلب معایب و جاب اکثر منافع ازین شغل پر منفعت نموده باشند و در سایر بلاد دولت علیه ایران این چراغ بر افروخته شود

(نظامنامه اداره چراغ الیکتریک در شهر رشت)

« مقدمه »

بسم الله الرحمن الرحيم

بر افراد مسلمین واجب است که بجهت ترقی دولت و ملت خود اسبابی فراهم بیاورند که حتی الامکان احتیاج به خارجه کمتر شود و حصول این معنی موقوف است بر آنکه هر خدمتی از دست آنچه بر آید چه جزئی و چه کلی بایکدیگر همراهی نمایند تا ثروت و مقول در مملکت بماند و بانفاق و همدستی تکمیل قوای انسانیت و تمدن کنند هر قدر آنکارم مختصر بوده باشد زمانی نمیکند در قطره قطره جمع و مملکت صاحب ثروت شده دولت در خودش مانده از غیر مستغنی میشود امروز در ظل عایت پدر مهربان ایران و ایرانیان و لینعمت کل اعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت پادشاه اسلامیان پناه شاهنشاه ایران ارواح العالمین فداء وقت آن است که خود رعیت همت نموده احداث کمپانی و شرکت نمایند چنانچه امتیاز چراغ الیکتریک و گاز و امثال آن در شهر رشت و اطراف آن تا هفت فرسخ به مدت پنجاه سال شمسی بموجب فرمان مبارک به این چاکر محمد حسین

ابن حاجی محمد باقر معروف به بازاوف مرحمت شده و احدی غیر از این کمپانی حق گذاشتن ماشین جهت چراغ الیکتریک و گاز و غیره در شهر رشت الی هفت فرسخ اطراف شهر بموجب فرمان مبارک ندارد و علاوه بر چراغ همه قسم کاری ممکن است با این قوه الیکتریک ترتیب داد از قبیل چرخ خیاطی که با قوه کار بکنند و بریدن تونون در کمال سهولت و شتاب و ک را برنج کردن و در تابستان رفع حرارت هوا را با باد بزن الیکتریک در منزل ها نمودن و غیره امیدوار از همت هم وطنان محترم اینکه حتی الامکان همراهی فرمایند تا این کمپانی از عهده این خدمت بیرون آمده خود مازا از صدمه شکستن چراغ و انواع ناخوشی ها از بوی نفت و احتراق های جان کداز شهر رشت و سایر ضررهای آسوده نمائیم لهذا برای اقدام در این امر خیر که منافع آن معلوم و مستغنی از تریف و توصیف است بموجب فصول ذیل قرار داد شده بعد از مدت یکسال بافتضایه تجربه اداره حق اصلاح آر خواهد داشت

(فصل اول)

برای بخارج دستگاه ماشین و لوازمات آن که یک هزار دو بیست چراغ که هر چراغی قوه شانزده شمع را داشته باشد من جمیع الجهات سی هزار تومان مخارج ملاحظه شده و او را عجالاً سرمایه اولیه قرار داده این بنده و جناب آقای فاسم خان والی امید نورمان در این کار بشراکت اقدام نموده تمام لوازمات از خریداری نموده ایم که در این سنه لوی نیل یک هزار سیصد بیست دو بمبارکی دستگاه او را حاضر نموده به تمام اهالی حتی الامکان چراغ داده خواهد شد

(دوم)

سی هزار تومان سرمایه اولیه را که در فوق ذکر شده تقسیم به هزار دو بیست سهم نموده از قرار یکی بیست پنج تومان چاپ کرده تمام این بلیتهارا خودمان به شخصه قبول نموده ایم مشروط بر اینکه هر کس یکی از آقایان محترم میل

به شراکت فرمودند از يك الى ده بلیت یا اضافه در صورت صلاح داده شود و در شراکت قبول خواهند شد

(سوم)

چنانچه مشتری چراغ علاوه پیدا شود اضافه لازم گردد بر سرمایه شرکت با اضافه نمودن بلیت از قرار همان مبلغ افزوده خواهد شد ولی بلیت اضافه از هزار دو بست بلیت سرمایه اولیه در صورتیکه شرکای اول طالب او بوده باشند به دیگری داده نمیشود و اگر هم به میل و تصدیق شرکای اول بدیگران فروخته شود بملاحظه پیش رفت کار و میزان منافع عمل بر قیمت بلیت افزوده خواهد شد

(چهارم)

اشخاصیکه بلیت خود را میل بفروش دارند بایست با اطلاع اداره بوده باشد که ثبت دفاتر شود چنانچه در خود بلیت ذکر شده حق آنکه بلیت خود را بقیه خارج بفرشند یا واگذار نمایند بکلی ندارند بقیه دارد



بقیه مقاله موآسه

از شماره (۷)

من از اجتماع این کلمات فرح انگیز . و از شنیدن این بیانات مسرت ریز . سپندوار از جای جهیدم . و سخاوار غریدم . و بی مهابا فریاد (طوبی علیک یا وطنی) کشیدم چون عاشقی مستانه . و یا عارفی دیوانه . از شدت فرح و انبساط . و کثرت شادی و نشاط . بسهرسوی دویدم . هاله کنان . و پای کوبان . کف زنان . و خندان خندان . کاهی بر نشیب وادی بر فراز جهیدم (جستم از وجد آستین بفشاندم * یکدومعلق زدم چه مردم شیدا) از فرط اشتیاق مکرر شنیدن این نام (حاوی صفات دولت و حامی حیات ملت باعث ترقیات وطن . بر طرف کننده مفاسد ازاده فتن) و ملذوذ گردیدن از اجتماع ان اسم والا

مقام . بدانش آو یختم . واشک شوق . از دیده بهجت و ذوق . همی ریختم . گفتیم ای رفیق وفادار . و محب صادق سعادت شمار . ای مبشر خوش بختی واجلال . و مفسر آیات مجد و اقبال . ای بر طرف کننده کرب و غموم . و آورنده بشارت عموم . ای ترقیات ملی از کفن این نامت آشکار . و ترفعات وطنی از آثار کلامت پدیدار . ای نفست چوین دم عیسی روح بخش . و کنت چون پد . موسی ضیاء بخش . چه فرخنده نامی . بردی . عالم عالم امید واری . و چه زیننده کلامی . کفتمی . جهان جهان بزرگواری . (امین سلطنت . معین دولت . مغیبت ملت .) ای شاهد سخن را آرایش دهنده . و قاب سخن را مسرت بخشنده . این چه نامی بود که همه فرح میفرود . و چه اسمی بود که غمها میزد بود . جان . جان . جان . جانانم . روح . روح . روح . روانم . از برای ذخیره قیامت کبری . و وسیله رستن از شداید عقبی . و ترضیه خواطر غمناک . و آشفیه سینه سوزناک . بیا ننی هظیم . از لطف مستقیم . بدین بلاکش متحن . و باین آواره از وطن . گذار . و این نام نامی که راحت مدامیست یکبار دیگر بر زبان آر . که گفته اند (اعد ذکر نعمان لنا ان ذکره * هو المسک ما کرره ینضوع) گفت این حرکات ناپسند . از شخص مؤدب و ارجمند . و از عاقل هوشمند . روانیاشد . و این کردار ناشایست در انظار خودی و بیگانه زشت باشد . لطفی خوش و شاکر باش . و در انیزای این موهبت عظام . و بشکرانه این نعمت کبری ذاکر باش . لئن شکرتم لئن یدنکم . نخواندی . و بانامایات سخن رانندی . بدین عطیه اله . و بر کزیده شاهنشاه رعیت خواه اگر بالیم رواست . و چنانچه بنایم بیجاست . در یغم آید که نامش آرام در میان . و رشکم نکذارد که بنایش نهان . اما چه شد سبک مجانبین پیشه داشتی . و رویه دیوانه کان انباشتی فضیلت دانش و مزیت بینش اگر این است . بمصدق این فضل و دانائی که سراسر جهل و نادانیست هزاران طعن و نفرین است عاقل فرزانه . چو غافل غافل

غفلت و وارسته گی از برك و ساز . خوشا عدم ادراك و باوه
كفتن . خوشا عالم سفاقت و علاج نه پذیرفتن

« ترجمه از کرامی روزنامه الا اهرام »

اول ماه گذشته دولت انگلیس حکم بافراشتن
علم خود در جزیره (ابی موسی) که واقع است
در خلیج فارس و از جزء مستملکات دولت اعلیه
ایران و در تحت حکومت مستقله اعحضرت
شاهنشاهی واقع است داد و این جزیره از اول جزایر
زررین و پر منفعت عالم بشمارست بواسطه صید
مرجان که انحصار در همه دنیا بانجامت بجز
افراشتن علم انگلیس کارگذران دولت علیه ایران
این واقعه را بسمع مبارک حضرت عین الدوله
صدر اعظم دولت علیه ایران میرسانند فوری از
جانب حضرت صدر اعظم حکم بحکومت محلی جزیره
(ابی موسی) میشود که بلادرنگ (بیرق) علم
دولت انگلسرا پائین بیاورد حکومت پس از صدور
این فرمان حکمرا بموقع اجرا میرساند و علم انگلسرا
پائین میآورد و انگلیسرا را مطرود میکند
دیگر وزیر جنک دولت علیه ایران بواسطه ظهور
ناخوشی در دار الخلافه طهران حاضر نبوده اعحضرت
شاهنشاه ایران حکم باحضر او در پای تخت
میفرمایند چنین مضمون است بواسطه این قائله
وزیر جنک دولت علیه ایران ما موراست از طرف

بیکانه تکلم . ودانای ادیب . چون هیولای عجیب . تبسم
نکنند . این تباین حال . و تلوف مزاج محتاج تهذیب
و خواستکار علاجست . که هر دم چون بوفلورن بر نیکی
و هر ساعت چون فاخته کان آهنکی . دارد . و صاحب
خود را مستلزم بسی مصائب و گرفتار بسی نوائب سازد
و دیگران را دمی راحت و زمانی استراحت نمیکندارد . و هر دم
بطرفی رخس هوس نازد . و پهر سوسنک بی معرفتی اندازد
من انهمه فلق واضطراب . و سراسیمه گی و التهاب . که
از تودیدم . و سا بیانات دلگراش . که علائنه و فاش .
از نو شنیدم . نوید آیت رحمت . و خیر شاهد نعمت
بتو دادم . و بر مز و کنایه . و اشاره و حکایه . نامی از محیی
ایران و طراز بخشنده این بلند ایوان . یعنی (شاهزاده
معظم . و وزیر اعظم .) کفتم . و در صفات حمیده .
و اوصاف پسندیده اش نسفتم . نه از نبات عالیه از روشن
ضمیر . صداقت آیین سطرې خواندم . و نه از خیالات
متعالیه . انعارف تخیر حقیقت گزین . شطرې راندم .
توبا این شدت شوق و نشاط . از فردی شعر و نامی چه
استنباط کردی . که باین بهانه و حیل . و افسانه و دغل
نیرنگها بمیان آوردی من این شعر را ورد زبان . و حرز
جان نموده ام (بر سر ایرانیان حق منق وافر نهاد * تا شه نشه
او وزارترا بعین الدوله داد) هان هان بخوبی تو را شناختم
و خود را ابدی فارغ ساختم . حرکانت مغایرت انسانی .
و سکناات نتیجه نادانی . رفتارت شاهد جنون . و کفنارت
از مسلک ادب بیرون . دیروز بسبب سطرې از ادب
خواندم . و در مراسم ادب نصایحی راندم . که نهال بی
ادبی ثمر خفت و بار رفت آرد . و بیرویش جهالت و خذلان
و سرا فکننده گی ثمر بغشده . عقلم تنک مایه و سبک .
و مغزت سبک پایه و تنک . کردارت سراسر بوج و کج .
و رفتارت مقصود لبس علی المریض حرج . خوشا حال
دیوانکان و روش نادانی . و مرحبا بفر و مایکات و سبک
پریشانی . خوشا گرداب جهالت و عدم امتیاز . خوشا خواب

دودسته سرباز نظامی از یمن و یسار در جلو اسکانه باضباط و صاحب منصبان و سرداران لشکری صف بسته احتراماً یکدسته موزیک دولتی در حین ورود و زمان غربت و هنگام شام و نهار بنغمات داشین و مارشهای عال العال (مظفری) و (حمیدی) مقرر نم بودند شب در بیلاق شهر (سوق صو) از طرف جنابوالی پاشا و روز در قونسلخانه مبارکه ضیافت مالا کلام بحضور عموم اعیان و اشراف ملکیه و عسکریه و فئاض دول متعابه گردیدند بدرجه از حسن اهتمامات کافیه و اقدامات وافیه جناب جلالتاب مقرب انانافان حاجی ذو الفقار بک کارپرداز اسباب هرگونه سرافرازی ملت و مایه امتنان حضرت اشرف معمول افتاد شاگردان دبستان ناصری زمان ورود شان در سخن کارپرداز خانه از دو طرف انتظام کشیده اشعار ذیلرا قرائت کردند (ما محض ضیق صفحات چهره نما مطالع و مقطرا مینگاریم)

ای پرنس کامکاروی سفیر نامدار * بادچون
ماها فدای خاک یابست صد هزار تشنه داش بود (صراف)
اندر چاه علم (دانشا) دستش بداش گیر از چاهش درآر
بعد از ورود در تالار نظقیهای کوناگون شاگردان
مجبوری دعا و بقای اعحضرت اقدس همیونی نمودن که
باعث حیرت مستمعین شد از وضع اداره و ترقی اطفال
حضرت اشرف خیلی اظهار مسرت فرمودند و از حسن
کفایت و معارف پروری اقا محمد صراف مدیر مدرسه
تجهیبات بسیار فرمودند بمضی را باعظای نشان و برخیرا
بوعده نشان شیر و خورشید که امتیازات فاخره دولت
علیه ایرانست مفتخر ساختند بعد از صدور فرمان همه
را باسم و رسم عرض میدارم

« چهره نما »

امید است شکسته بسته کیهانی ماموریت
حاجی میرزا رضی خان (کارپرداز قبل را) کفایت

خراسان باقشون زیادے بمرکت آید و همه روزه
بر قوت وعده لشکریان ایران افزوده میگردد
سبب نا معلوم است

« چهره نما »

سوء سیات مضره فاسده صدریکه مصدر
هرگونه قبایح دولت و هر قبل فضایح ملت بوده نه
بقسمی انکلیسان و روسانرا کستاخانه جسور و اطمینان
الخواطر کرده است که توان با عالم عالم سیاسی و دنیا
دنیا پوتیک انهار بخانه اول بر گردانید لاکن
بحمد الله بانداک وقتی قلیل تدابیر محکمه عالییه صائبه
و افکار متقنه متعابه ناقبه حضرت اشرف و الاشاهزاده
معظم (عین الدوله وزیر اعظم) در یکی دو مرحله
چنان دماغ تجاوزات و بینی پیش قدمی انهارا بجاک
(آرام باشید) مالیده که هر یک راه خویش گرفته
خصوصاً انکلیسان که قدری عزیز بی جهت تشریف
دارند (باش تاینی چه بیند بختم از کردار او

طرابوزن

خبر نکارما از احوالات اینولاجویا باشید حضرت
اشرف پرنس ارفع الدوله که عازم طهران بودند در پنجم
وارد شدند روز بعد عازم بصوب مقصد شدند
از طرف حکومت علییه عثمانی و عسکریه در استقبال
و مشایعت انحضرت تشریف فوق العاده که تاکنون نظیرش
در حق هیچ سفیری مشهود نپنفاده بود بظهور پیوست

اغلب برزگان واعیان و اشراف پس فردا در دار الحکومه دعوت دارند که پس از خزانیدن دستخط همایونی جناب مدیرا نخلع نمایند دعوتنامه از طرف جناب دریا بکی این است (چون مراتب زحمت و کفایت و شایستگی و دولت و ملت پرستی جناب معارف و حقایق نصاب آقا مهزنا علی آقا مدیر روزنامه مبارکه مظفری ادام الله توفیقه همواره در جاب معلومات و کسب اطلاعات و نشر علوم دینی و ادبیه در پیشگاه حضور مراحم ظهور مبارک اولیای دولت جاوید آیت علی الرواس و الاشهاد تقبیل است .

لذا محض تشویق خاطر شریف و شمول عوطف ملوکانه خدمت مهر طلعت برای زیب قامت جناب معزی الیه بتصویب اینجناب ارسال و مرحمت و در صبح روز دوشنبه چهارم جمادی الاول سه ساعت از روز گذشته حسب الامر اولیای دولت ابد مدت انعقاد مجلس بجهت پوشانیدن خدمت و فرائد دستخط عطفوت نمط در چهار برجست لزوماً بجهت توفیر و تکریم این موهبت جنابالها در موعد مقرر بصرف شرت زحمت افزا میشود)

چهره نما و عالی تهنیت *

اعضای اداره چهره نما با بضاعت مزجات صمیمانه ادعیات کونا کون و خالصانه تهنیتهای از حد احصا بیرون ازین خدمت مفاخرت آیت ملوکانه و بدین عطیه شرافت نتیجه خسروانه دارند و مدیر پاك ضمیر بحق تقریر جریده فریده نیکو آفریده (مظفری را) تبریک میکنند و از حضرت واهب العطا یا علو قدر و نزلات و سمو جاه و مرتبت ایشانرا و امتداد ایام ناشره این زرنصره بینی کرامی روزنامه حکمت و مرعظت آینه تربیت و معرفت

ماهرانه ولیاقت عاقلانه (حاجی ذوالنقار بك در مدتی کم اصلاح و مراتب عالیه شوئونات دولت علیه را بقسمیکه در خور بسی تمجید است در انظار جلوه بدهند و تاییدات آقا محمد مدیرا از خداوند خوا هانیم که بیشتر از بیشتر موق در خدمات ابناء وطن و نوباوه کان اهالی وطن شده باشند

بندر بو شهر

خبر نکار ما چند روز است قدری اسباب و غم و وحشت برای مردم فراهم آمده است بجهت آنکه ناخوشی بحول حوش بو شهر سرایت نموده و تا امروز الحمد لله در بو شهر خبری نیست قراریکه از شهر از خبر رسیده است پناه میبرم بخدا قیامت بوده است محرم هر روزی زیاده از پنجاه نفر تلف میشوند جناب جلالتماب اجل عالی مهزنا احمد خان دریا بکی کمال مراغت در اهتمام عمل نظافت بلد و عمل قرنتینه دارند و در حقیقت پاکیزه گی خیلی دخیل است در این مرض موزی خدا حفظ بکنند حکم جدیدیکه از دار الخلافه طهران بجناب دریا بکی از حضرت اشرف ارفع وزو اعظم رسیده بود در باب عمل بودجه بندی که اصنافیه بوده باشد بموقع اجرا آمد بعضی بی صبرتها فال نال انداختند که دیگر این چه مطایب است پس از آنکه درست حالیشان شد که حکم اعلحضرت شاهشاهی باالسویه است اعلا ادنا غنی فقیر چهره ایای دولت ایران و چهره ایای دول خوارجه همگی در اطاعت این حکم مبارک یکسانند قبول کردند دیگر از طرف اولیای دولت ابد مدت خدمتی بجهت جناب مستطاب مدیر جریده روزنامه مظفری آقا مهزنا علی آقا بتوسطه جناب جلالتماب اجل عالی مهزنا احمد خان دریا بکی از طهران رسیده است و بقرار دعوتنامه ذیل

معارف و ادبیات و مقاصد عوارف و مطبوعات زیاده
گردد بلی بمقاد (سیجمل الله بعد عشر یسرا)
رجا داریم در عهد حکومت این بزرگ مرد دولت
پرست ملت خواه جناب در یابکی همه گونه
آسوده گی و آزادی جان و مال بجهت مدیر مظهری
فراهم شود

مکتوب از طهران

خدمت مدیر محترم جریده چهره نما زحمت
افزا میشود تمام همت غیورانه بنده کان حضرت وزیر
اعظم بترویج مکنونات خاطر در یا مقاطر
اعلی حضرت هایونی است و هیئت حالیه از اولیای
دولت فرد فرد شان اقتباس دارند میتوان این
مشاهدات را در ترقیات کونا کون دولت و ملت
که بحکم وجوب این هر دو همه جا همعنانند نوید
داد مرض و بابا انکه شدید نبود شد
تش شکسته و قریب الاتمام است در قراء اطراف
طهران کم کم جست و خیزی نموده مردم را انداخت
ولی نه مثل سایر ممالک عالم عام البلوی باشد
جناب محترم السلطنه برحمت خدا رفت و افراد
تبعه داخله طهرا نرا عنرا دار کرد که برای عموم رافع
هزار هموم و غموم بود اقا میرزا حسن وکیل
جراید انهم بمرض و با فوت شد رحمت الله علیهم
اجمعین

ختمه مظفری که تمجیدات فراوان و تحسینات بی
پایانرا ست خواهند الحق آنچه در حق این
دانشمند غیور فرزانه از طرف اولیای دولت
قوی شوکت اجرا شود رواست زحمات جان بازانه
و مخاطرات و مشقات اشکارا و مخفیانه او در راه دولت
و ملت اظهر من الشمس و تعدیات کونا کون بعضی
جهال و حکمران سلف بالنسبه بمال جان او این
من الامس است

الحمد لله امروز در ظل حمایت و مراحم
خسروانه و رافت و عواطف ملوکانه پدر مشفق
ایرانیان سایه یزدان اعلی حضرت اقدس مظفر الدین
شاه لا زال دولته الی آخر الدوران که بنص کلام
محکم الاذعان حق اطاعتش بر فرد فرد ملت چون
فرائض واجب و طاعتش بر هر ذی شعوری از اتباع
لا زمست و موجب فلاح و سرفرازی دنیا و باعث
نجات و رستگاری از عقباست و از حسن نیت
کامل الصفات حضرت رفیع مرتبت حامی شئون
معظمه دولت سامی و مجاهد ترقیات ملت شاهزاده
تمدن و ساده حقیقت خواه معارف پناه بنده کان
وزیر اعظم عین الدوله و توجهات مخصوصه جناب
مستطاب . . . اقای ندیم السلطان وزیر مطبوعات
و دار الترجمة و دار التالیف خاصه هایونی که وجودش
افتخار ملی است ساعت بساعت بل آن بان وسایل
آسایش عباد و آرایش بلاد فراهم آید و دوائر

* چهره نما *

هر دم ازین باغ بری میرسد معلوم است
هر قدر که فوت اسف اشتغال مرحوم مختار السلطنه
به افراد تبعه متاثر بوده دوچندان تاثر بجهت اولیای
دولت فویشوکت داشته خصوصاً بحضرت مستطاب
اشرف والا بنده کان شاهزاده معظم عین الدوله
(وزیر اعظم که زیاده بر آنچه تصور است اسباب
تأسف بوده در این مصیبت عمومی چاره جز
صبر و شکیبائی و آرامیت و خود داری چه است
ان الله یحب الصابین) اعضاء اداره چهره نما
در این دایه عمومی با باقی مانده کان هر یک شریک
و همه را تسلیت و تعزیت میکنند امید که حضرت
رحمن اجری جمیل و صبری جزیل بجناب مختار خان
و سایر بسته کان انرحمت مآب بدهد

تی آدم اعضای یکدیگران

که در آفرینش زیگ کوه رند

بوکز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

* اصفهان *

خبر نکار ما بحمد الله امسال بعد از چند سال ملخ
خواره گی حاصل محصول در کمال خوبی است و فراوانی آب
هم باعث آسوده گی رعایاست و رود شاه شاه زاده
اعظم حضرت والا ظل السلطان نازه روحی بچسب اهالی

بدمید در وافع حالیه حضرت والا بجهت اهالی اصفهان
بمثل پدر میانند اینست که خود حضرت والا همیشه آنچه
لازمه پدریست در حق اولاد های مجازی میفرمایند

چند روز قبل حضرت اشرف اقدس والا شعاع السلطنه
فرما نفرمای فارس از طهران وارد اصفهان و در باغ نوزول
اجلال کردند قریب بسه هزار نفر از ملتزمین رکاب سوار
و سر باز بشمارفت و بعد حرکت بمنزله حکومت خود دار العلم
شیراز کردند بعد از فوت حضرت سلطان العلماء امام جمعه
گی از دار اخلاقه طهران بفرزند ارشد ایشان که دو ازده
سال دارد داده شد بواسطه صغر سن مسجد بی پیشناز بود
این اوقات لقب سلطان العلماء بی بجناب مستطاب اقا میرزا
محمد صادق پسر مرحمت مآب اقا میرزا محمد علی امام جمعه
سابق داده شد و در کمال اجلال و احترام بمسجد شان آوردند
در چندی قبل آمدن چهار نفر وزیر باجیکی اشتهاری داشت
ناحال که خبری نیست انقدر این اوقات مردم جری شده اند
در عمل قانون که اگر غروب آفتاب برسد مهلت نمیدهند
که صبح بشردها نوقت میخواهند بفهمند و پیروی کنند

جناب جلالآب اجل اکرم عالی اقای میرزا باقر خان

منشی باشی مؤسس اول اساس مدرسه جدید در اصفهان
از طهران این سفر بگذرد قابل لایق شاهزاده کاظم میرزا
اندر آورده اند الحق خیلی آدم معقول مؤدبی هست مدرسه
باقریه امروز چنین مدیری لازم داشت بجهت آنکه تربیات
کلی کرده جناب جلالآب اجل اقای میرزا سید علی

نقی خان در یکی از خانهای مشیر الملک مدرسه مفتوح نموده
موسوم بمدرسه (اسلامیه) و دیگر جناب جلالآب
اجل اقای میرزا اسدالله خان منشی باشی مدرسه باز کرده اند
موسوم (بعده) انشاء الله نظامنامه هر یک را مینویسم در
جریده ملی چهره نما مندرج بکنید جناب جلالآب

اجل اقای نایب الصدر شیخ العرافین یک سرریض خانه در
چهار باغ معین نموده اند لیکن هنوز تربیات و قواعد او منظم
نشده بعد چگونگی را مینویسم افواه است که بنده
کان حضرت اشرف ارفع والا ظل السلطان اراده دارند

عالی در بنای مریضخانه همی فرموده نام نیکی در صفحات
تاریخی بیادگار بکنند
(نام نیکی گر بماند زاد می * به گزوماند مرای زرنکار

مصر

خبر نکار ما زمان تشریف آوردن جناب جلال‌النجاب
اجل عالی آقای میرزا فرج الله خان مستنصر السلطنة جنرال
قونسل اسبق مصر و جنرال قونسل حلیه تقایس بمعیت
اخوانشان جناب میرزا حسین خان قونسل اسبق اسکندریه
و جناب میرزا مصطفی خان درایستگاه راه آهن جمعی از اعیان
و اشراف باستقبال آمده بودند معظم الیه باقطار راه آهن
مخصوص اکسپریس وارد شدند و از هر یک استقبالیات
احوال پرستی و مراسم ادب دانی و زرگی بجای آوردند
بقرار معلوم دوماه اجازه طلبیده اند بجهت آمدن بمصر
و دید بازدید فرمودن پس از انقضاء دوماه باز حرکت
بمرکز ماموریت خود تقایس مینمایند خداوند این قبل
اشخاص که در هر جا باشند اسباب سرا فرازی دولت
و ملت هستند زیاده بر زیاد بکنند در خصوص فوت
آقا اسد الله انقیسه چپ اصفهانی و وصیت‌های او در قبل آنچه
عرض شد نوشته بودید بعد از فراغت از کفن دفن
تعزیت او بنا بر وصیتش و صیبا بایک نفر قواص قونسلخانه
پای حساب آمدند و در مدت چند روز اثاث و اسباب
دکان او را بقیمت در آوردند همگی هفت هزار لیره مصری
شد خانه و وکاله او هم وقف است بقیه دارد

تلگراف

پترسبورغ سپهسالار کل نشون روس (جنرال
کورپاتکین) خبر میدهد که (جنرال ستوسل) میگوید
(جنرال کل ژاپون) منشوری فرستاده است و نسلیبی بندر
: ر آرتررا خواستگار شده است و مکالمات تمهیدانه
کرده است ما جواب حواله بتوپ و آلات ناریه کردیم

ح ۲۰۰ عبدالمحمد

یکباب مدرسه بجهت اطفال سادات و ایام مفتوح کند
تاچه شود کیا نیهایی اصفهان در قبل وعده داده بودم که
حسابهای هر یک را به اداره عرضی کنم یکی دوتایی آنها
اسباب نجات بنده و هموطنانست اما صورت حساب یک
ساله کپانیه مسعودیه که سال سال یازدهم است میفرستم
ظاهر تومانی یکقران پنج شاهی نفع داده اند باز خوب است
جناب حاجی محمد حسین صاحب تاجر کازرونی نکذاشته
اند این کپانی قدیم که او این کپانیه اصفهانست بی باشد
در حق کپانی شرکت اسلامی هم خیلی تقلا میکند اما
خرابی گذشته هنوز آباد نشده است انشاء الله حساب شرکت
اسلامیه پس از صاف شدن گرفته میفرستم

چهره نما

بحمد الله از نیات ذات ملکوتی صفات اعلا حضرت پدر
حقیقی ایرانیان جسته جسته آفتاب نورپاش معرفت و مدنیت
و بینائی و بدر در خشنده حکمت و تربیت و دانائی ظاهرنگه
های جهل و غفلت و نادانرا منور میسازد چنانچه
بلادیکه مایه همه قسم امید و آری و شهر هائیکه باعث
هرگونه رستگاریست علائم انتشار ترقیات و آثار انعدام
تدنیات بروز میدهد بقراریکه خبر نکار ما مینویسد عما
قریب دار السلطنه اصفهان از توسعه دوائر مکاتب و معارف
جدیده فضیلتی بسزا و زینتی در خور هزاران تمجید و جزا
پیدا خواهد کرد امروز ممالک اروپ که از حبشیة سلسله
ارنباط مکاتب و معارف حکم قطعه زمینی دارد باز در
مقام تزیید و تناقص مکاتب و تعداد شاگردان و محصلین
بهم فخر دارند عده هر کس بیش است در مقام تمدن پیش است
چنانچه دولت ژاپون بر امریکا و امریکا بر انگلیس
و انگلیس بر المان و ۰۰ از خودوند مبطلم که اهالی
اصفهانرا موبد بدعا کوئی حضرت والا ظل السلطان بدارد
ناباین نیت مقدس جمعی اطفال ارامل و سادات از قید
اسارت فقر و پریشانی از احداث اداره مکتبی برهند
و جناب شیخ العرافین را موفق بدارد که باین خیال